

# نویسد

( وابسته به حزب توده ایران )

شماره ۵ - بهمن ۱۳۵۵

## رژیم عقب می نشیند؟

وغار تگری بی حساب ولجام کمینده  
غلام را آماده یک عقب نشینی حسابنده  
تا کتیک شده است. آزادی گروه قابل  
توجهی از زندانیان سیاسی که پسرهای  
از آن‌ها به حبس ابد محکوم شده بودند  
( نظیر محمود پطحایی عضو گروه فلسطین )  
شایعه روه قوت آزادی بسیاری دیگر از  
بقیه در صفحه ۲

جلال و انمود می کند که می خواهد  
کهوترا از جلعن راه پرواز در آورد .  
رژیمی که تا آنجای این سه خسون  
شریف ترین و حق چوتین فرزندان  
این سرزمین آفشته است ، زمین را زیر  
پای خود لرزان می بیند و پس از سال ۱۸  
خود کامی و آکشارو تو رو حشیا نه و

در این شماره :

- ۱- رژیم عقب می نشیند ؟
- ۲- درباره اعتصاب
- ۳- روز شهیدان حزب و نهضت
- ۴- گل سرخی که همیشه میگردان است
- ۵- شصت و نهمین شماره روزنامه
- ۶- خبرها

## درباره اعتصاب

و. ا. لینن :

پیشگفتار :

اوج روز افزون اعتصاب و اعتراضها  
کارگری و خرد ای بسیاری که از مبارزات  
صنعتی و سیاسی طبقه کارگر ایران به طور  
پراکنده و جسته و گریخته به گوش می رسد -  
رژیم با وحشت و شدت عمل می کوشد آن‌ها  
را منکوم نگهدارد - مرحله نوینی را در برابر  
اساسی خلق ما ربه ویژه طبقه کارگر  
نویسد - اخبار شور انگیزی نظیر  
جنبش خونین کارگران کارخانجات  
نساجی در شاهی و مقاومت دلیرانسه  
آن‌ها در برابر یورش سد ها و گزاهای  
وحشی شاه و نبرد و مقاومت دلیرانسه  
کارگران کارخانه چیت تهران که نخست  
تهدید می قشرهای دیگر و به ویژه  
دانشجویان و سپس همکاری مادی و مادی  
آن‌ها را برانگیخت و دهه اعتصاب  
پهروزند با ناگهانی که در ماه دای اخیر  
جریان و چونگی آن‌ها در صفحات نویسنده  
ضمکس شد و بی اختیار انسان را به یاد  
عقد می ای اندازد که لنین بر اعلامیه ای  
که به مناسبت اعتصاب کارگران نساجی در  
روسیه بخش شده نوشت :

و ۶ نوامبر باید برای همه ما  
روزهای فراموش نشدنی باشد . . . کارگران  
نساجی با مقاومت سرسختانه خود در  
بقیه در صفحه ۱۰

به مناسبت ۴۰ بهمن روز شهادت دکتر تقی ارانی

## روز شهیدان حزب و نهضت

یا نمی باید ز آزاد یزدن چون سرو لاف  
یا که از بی بوی دردن نمی باید گرفت

کیز ن در زمان شاه صفی صفوی ، با بیبا  
اولید ، رزمنان در ایران ناسوری ،  
مجا نمان و فدائیان جنبش مشروطه ،  
استقلال الهان و آزادی خواهان  
جنبش های شمال در سال ۱۹۰۱ ایست  
قرن بیستم و شهیدان استبداد در  
شاه : عشقی و فرخی و ارانی جنبش  
توده ای و صد تن شهید او و شهیدان  
جنبش آذربایجان و کردستان و شهیدان  
سازمان نظامی حزب توده ایران در  
ادوار تلف آن ( گنبد قابوس ، جریان  
آذربایجان و کردستان ، جریان ملی کردن  
صنایع نفت ) و شهیدان جنبش مایداری  
اخذیر ایران ارتجاع سیاه محمد رضا  
شاهی و سر روزیه و جشن تیزابی ،  
سرو کسری و پرریز حکمت جو . . .  
نبرستی بسیار بسیار تا قتل ایزد کارنامه  
بسیار شایع و پراکنده از کارنامه  
نبرد مردم ایران علیه غاصبان و تجار زور  
بیگانه علیه سامان و فئودال ها و  
سرمایه داران مستعمر علیه مستبدان و  
فاشیست ها و نفاقانست ها و جاگران  
بقیه در صفحه ۶

این بیستی است ، زیبار سخت ، صائب ازبیا  
دوران صفوی مائت تبریزی ، آری ،  
البید ن راهی و آزادی مردم ، یعنی  
لنلان چنه آماره دشمنان نیرومندی  
که بی شرمانه از صحت شریعت فریاد می زدند  
مردم ، برای آراستن کاخ ها و ساختمان  
زندگی خود ، برای پایان آوردن مساجد  
ایجاد کنندگان واقعی نعمات مادی و  
معنوی و استفاده می کنند .  
این دشمنان اگرچه از لحاظ تعداد  
اندکند ، ولی با تکیه به ثروت و قدرت  
دولتی ، جسمل و خرافه و بهیچینی  
که : و در برنده آند ، نیروی عظیمی  
اخذیار آند : نبرد با آنان نبرد پهلوان  
است با اولیایی وقت سر و آتشکام  
بی رحم و شرم ، نبرد مقدس و عظیم  
که تاریخ ایران از لحظه حماسه آمیز  
آن مرشاراست : به آفرید و ابو صلح  
سنگد ، استاد سمیر ، و التیح و سدک  
سایک ، و از یار و زندیان و اسد ملیان و  
قرمطیان و مرد اوین ، سریداران ، رکن  
نقطویان و قیام کنندگان تبریز در زمان  
شاه طبعاً سبب صوری و قیام کنندگان

رژیم عقب نشینی نشینند؟  
 زندانیان سیاسی که به حبس ای ولایتی و حتی ابد محکوم شده اند در شرایطی که رژیم از دو سال پیش آزاد کردن زندانیانی که حتی مدت کوتاهی آن اسرا شده بودند از می کردگان فشار ددستانه چکه یوشان و میفریب می نیاورد زندان دار می کند گاه ای کاش ما داشته شکجه بر مورد بازداشت شدگان را می یافتن دیاره ترونی از نویسندگان صنوع القلم به جراید و در مقالات و مالمی که با وجود آهکی بودن عیاق نظایر آن ها از مدت ها پیش در نشریات دست آموز رژیم ناپس پرده و شواهد دیگر و همه و همه از تغییراتی در روش رژیم و عقب نشینی ناگزیر آن حکایت می کنند . با چنین چشم اندازی پرسش اساسی که در برابر مبارزان قرار گرفته ، این است که این عقب نشینی ها تا چه حد واقعی و پامحتوی است ؟ مضمون حقیقی آن چیست ؟ چه اهدافی را دنبال می کند ؟ از چه مسائل و عواملی نشات می گیرد و نائز و رمزهای آن تا کجا می تواند گسترده شود ؟ ولیفه مبارزان در برابر این موج نوحاسته چگونه است ؟ پاسخ به این پرسش ها مستلزم دریافت صحیحی از عوامل ایجادکننده چنین وضعی است و در این گوشه باید در درجه نخست دو عامل اساسی داخلی و خارجی را در نظر بگیریم :

۱- عامل خارجی

روند جهانی در سال اخیر با توجه انگار ناپذیر و بیروت آموزی این حقیقت بنیادی را آشکار کرده است که برای رژیم های ضعیف و فاسد و بد تلقی تنها زبانه دان تاریخ است . چکه پیشان و قداره بندان و دشمنان زندانیانان تلقی در غروب و در سیده اند و نحوه نوا دلالان و نوکران امپریالیسم هیچ دورنمایی در برابر خود ندارند . این روندی است وقفه ناپذیر و بی بازگشت که امید برای رژیم های که زانده امپریالیسم و مقاله نژاد پرستی و استعمار و استبداد اند باقی نمی گذارد . تجربه بسیار گویای ویتنام ، لائوس و کامبوج ، زوال یک شبه سرهنگان یونان و رژیم تند پد های که سالها زار در برتغال به ارث گذارده بود ، فروریختن امپراتوری فلج و گشودن گوش اتیوی ، از دست رفتن مستعمرات افریقایی پرتغال و تولد ملت های رزمجویی در آنژولا و آینه بیسافو و موزامبیک ، زمین لرزه های سیاسی جهانی که میراث فرانکو را برایشان کرده است و ده ها شاه و پادشاه دیگر و تنها در ارتش دوسه سال از شتاب فزاینده این روند جهانی حکایت می کند . در این متن رژیمی که با تکیه بر استبداد فردی در قرن و سده ای دوران بی رحمانه مطلقه و توتالیتاریسم ای یونان ناپذیر آن در بازار ای سرمایه و رایفای نقش ژاندارام امپریالیسم در ضلالت پانگنه جان و خون جوانان و ثروت های مادی کشور و تورم و ارباب و گشت و گشتاری حساب دانی به حیات ننگین خود ادامه می دهد ، نمی تواند از محترم ترین نسیم و کوچک ترین طنینی که

در جهان به راه می افتد ، متوجش نشود . این طنین و نسیمی که باعث وحشت رژیم هاری از پهر شاه شاهان شده ، اما در تغییرات محسوس است که از چندی پیش در منطقه در شرف تکوین است . انتقال مرکز ثقل پایگاه امپریالیسم در منطقه از تهران به ریاض ، به دنبال تحولات اخیر خاور میانه در این بررسی موضوع قابل تاملی است . عربستان سعودی به دنبال موقعیتی که به برکت دلارهای نفتی در سوق دادن رژیم صریح سوی امپریالیسم جهانی به دست آورد و آنگاه پیروزی دیپلماتیک آن در پایان دادن به جنده لبنان به خور نیروهای ملی و شرقی و سپس سررفت بخشدن به گرایش سوریه به سوی آمریکا ، از موقعیت استراتژیک قابل توجهی برخوردار گردید . این حرکات از نفوذ معنوی و بود قاطع دلارهای نفتی سعودی در جهت مقاصد امپریالیسم حکایت می کرد ، اما این پیروزی های نسبی با بازی خائشان رژیم سعودی با شورش درایک و عدم پذیرش تصمیمات جمعی آن در جهت افزایش قیمت نفت ، از یک سو شکافی سابقه ای درایک به وجود آورد و از سوی دیگر نفت ارزانی را که برای کنترل امریکایی نفت می توانست محل سود های سرشار جدیدی باشد در اختیار آمریکا گذاشت . به این ترتیب که به کارتسل نفتی آمریکا امکان دادها در دست داشتن انحصار نفت ایران در عربستان ، نفت مازاد بر احتیاج آمریکا را در بازار های دیگر به فروش برساند و از این راهگرد سودهای کلان به جیب زند .

این تحول در منطقه با تغییرات کادر رهبری امریکو پیروزی جناح معتدل ترموکرات ها در انتخابات ایالات متحده مقارن بود . جناحی که در امریکا با آغاز ریاست جمهوری کارتر قدرت را به دست گرفت ، همایک جناح نفتی است یعنی جناحی که کارتل های نفت در آن از نفوذ معتدلی برخوردارند و ظاهرا از دینامیسم چرخش جهان به ویژه پس از جنگ ویتنام و ضرورت روبروشدن با واقعیت اوج گیری نیروهای چپ و متوقفی در راههای غربی و شرایط نوین جهان آگاه است و اسلوب معاصر و شیوه های انعطاف پذیرتر و نگاه واقع بینانه ای را در برابر این تحولات جستجو می کند . سخنان به ظاهر آتشین کارتر در دفاع از حقوق بشر و شیوه بشر و ملامت ضمنی او از رژیم ای که ایمن حقوق و امور را نقض می کنند و نیز اعلام آمادگی برای تحولات سلاح ای استراتژیک و محدودیت فروش اسلحه به رژیم های بی تکیه گاه و یا درخواه و مودت چنین برداشته است .

با این تفهیل می توان پذیرفت که انتقال مرکز ثقل سیاست امپریالیسم و سکوی جهش او از تهران به ریاض که باز نزدیکان عمده قوای ایران از طایفه از نخستین نتایج آشکار آن بود ، از پیشتهیانی کارتر و جناح او برخوردار است . به این ترتیب رقابت و مطابقه ای که از سوی پیش بین تهران و ریاض به شاه دوژاندارم که در یک خلیج بقیه در صفحه ۴

به مناسبت سالگرد شهادت سروکسرخ و کرامت دانشیان

# گل سرخی که همیشه شکوفان است

وقتی جلاد نهال زندگی سروکسرخ و کرامت دانشیان را از پای درآورد مردم به گل سرخی روی آوردند تا از اشتهای نامیموم یاد این شهیدان آزاده و دلیران زنده نگاهدارند و هم به آن صفتی که می‌خواهد دلگزاران را به کوی ولایت بدل کند و خشم و نفرت خود را نشان دهند. مردم در این منظره خود موفق شدند جلادان این نشانه را فهمیدند و کاریه جایی کشیده که سوارک به بزرگی که به شکلی گل سرخی با خود داشت با سوزان می‌نگریست!

مکن بود چنین تصادفی در شاه نام روی نداده بود. واقع همچنین تصادفات استثنایی است. دانشیان که گل سرخی به پای تیر اهدام رفت حکمت جو که چون تیرایی زهر شکنجه شهید شد و آن ده تا و صد ها فرزندان شایسته خلق که بی دریغ جان خود را در راه آرمان انقلابی خویش نثار کرده اند نام های "عادی" داشته اند. ولی مردم محرومت امکان فریضتی یافته اند احساس خود را در باره قهرمانان خلق با برجسته کردن یک شعر و یک ترانه و یک ناچ و آنچه که بتواند بیانگر این احساس انسانی باشد و بروز داد و ستد این سیاست خلق در برابر فرزندان قهرمان خویش در عین حال نشانه مقاومت و مبارزه است. و عین است که قهرمانان جدیدی را می‌پرورد. از آن زندگی گل سرخی و دانشیان حکمت جو تیرایی و ده تا و صد ها نفر دیار از مبارزان راه خلق برپوشیده است و گل سرخی که صفا بر شرف آزادی و نشانه مقاومت و مبارزه است و همیشه شکوفان است و زسرا که خلق که زاینده شرف و آزادی و مقاومت و مبارزه است جاویدان است.

رئیس شاه که برای حفظ سلسله نژاد و سرخس خویش گروه صیقل پرستان راه دادگاه های فرمایشی ننهادی و از آن جا به زهر شکنجه و یا به پای تیر اهدام می‌کشاند و گاه "مدارک دادگاه پسند" هم برای اثبات "جرم متهمان" در اختیار دارد. متهم می‌شود "زناه متهمان" و "معتزاف" می‌کنند که برای سرنگین ساختن رژیم شاه و برای برچیدن بساط ظلم و استبداد به پا می‌آیند! ولی اتهام متوجه برای بودن افراد خانواده سلطنت. "هنگام به گروه کسرخ و دانشیان وارد شد از بیخ و بن بی پایه بود سوارک بسا تمام تلاشی که کرد و دادستان نظامی با تمام "بهرت" که به خرج داد و بی ادبانه نتوانستند کوچک ترین عذر در لیبی برای اثبات این اتهام ارائه دهند. و دادگاه نظامی فرمایشی به صورت خیمه شب بازی سبزه های درآید. با این همه گل سرخی و دانشیان محکوم به اهدام شدند و شربت شهادت

نوشیدند. چرا؟

فرمانروایان مستکرم با وجود محدودیت فکری طبقاتی خویش این واقعیت را درک می‌کنند که اگر افکار انقلابی امکان نشود با شند امکان تبدیل شدن به نیروی مادی و رانیز خواهند یافت و این همان خطری است که موجودیت آن را تهدید می‌کند. خواستند که آن‌ها این واقعیت را هم درک می‌کنند که نمونه ای مقاومت ضد آکاری و قهرمانی به مبارزان انقلابی به خلق پیکار جوانی و امید می‌دهد و این خطرناک بودی نظام استثمارگر و مستکمران را تشدید خواهد کرد. دستگاه جاسوسی و پیگیران زندان شکنجه و اهدای که رژیم شاه بر پا ساخته برای آن است که از نشر افکار انقلابی و از تبدیل شدن افکار انقلابی به نیروی مادی جلوگیری کند و برای آن است که مظاهر مقاومت و مبارزه مردم را باهاوار کردن به تسلیم و توبه و با پناهنده جسمی می‌کند و برای آن است که امید خلق را به پیروزی آزادی و عدالت با تومیدی مبدل سازد.

گل سرخی و دانشیان به ندای خلق گوش فراد اند و عجز خود را در خدمت خلق گذاشتند و همه های مستکمران آن‌ها را نرفت و شکنجه جلادان آن‌ها را از پای در نیارند و حکم اعدام مقتدرانه شان را مست نکرد. گل سرخی و دانشیان فردا گفته بود:

ما همین فردا  
کاری خواهیم کرد  
کاری کارستان.

گل سرخی و دانشیان با ایثار جان خود به راه خلق به سه آرمان انقلابی خویش وفادار ماندند و کاری کردند کارستان! از نظر رژیم ضد خلق شاه چه جبری بالاتر از این ممکن است وجود داشته باشد؟

ولی فرمانروایان مستکرم وقتی می‌خواهند با تمام وجود تهدید با نیرنگ و زور و بازندان شکنجه و اهدام "خاری" که موجودیت ننکین آن‌ها را تهدید می‌کند باز بین بپروند و دیگر واقعا در چارچوب محدودیت فکری طبقاتی خود اسپرند. آن‌ها نمی‌توانند درک کنند که با زروسیم و با داغ و درفش نمی‌توان از تکامل تاریخ جلوگیری کرد. خلق اما با تن خونین از شکنجه مستکمران و بدل اند و همین از شهادت هر زمان و ولسی سرانجام به آزادی خود دست خواهند یافت. گل سرخی که بیس از شهادت گل سرخی و دانشیان بیانگر احساس مردم نسبت به این جنایت رژیم شاه شد و بیک این فرد آزاد بود.

و برای آن که زورشید آزادی چشمان ما را با نور رخشان خود زود تر روشن کند و پیش از سرچین و قبیل از هر چیزه بیگانگی بقیند صفحه ۵

اتحاد به ما و جمعیت های کارگری محققی و ادبی و  
 دموکرات در کشورهای اروپایی اعلام آمادگی کردند که در  
 سال مبارزه جهانی علیه رژیم ایران فعالانه شرکت خواهند  
 کرد.

۲- عواطف داخلی

در حالی که عواطف خارجی در پیوند مستقیم با هم به یک  
 جریان نیرومند علیه رژیم شاه تبدیل شده و کاهش تولید  
 نفت - به دنبال خیانت عربستان همایک - سالیان پیش  
 از ۷ میلیارد دلار از درآمد ایران کاهش می دهد. با  
 توجه به این که سال گذشته ایران با در دست داشتن  
 در حدود ۲۲ میلیارد دلار درآمد نفتی بازم به میلیارد دلار  
 کسری موازنه داشت و تاثیرات فوق العاده این کاهش  
 ناگهانی بر اقتصاد ناتوان و در حال تلاشی رژیم - که یک  
 اقتصاد متکی به نفت است - یعنی ۹۰ درصد آن به درآمد  
 نفت تکیه دارد - قابل دریافت است. ۵۰۰ میلیون دلار  
 قرض با شرایط نامعنا از بانک های اروپایی که در چند  
 هفته پیش صورت گرفت و نتوانست حتی نقش یک قهرمسکن  
 را برای رژیم ورشکسته شاه بازی کند.

بدینسان ضعف مفرط اقتصادی و در متن ورشکستگی  
 سیاسی و اجتماعی رژیم و بی پایگانی او در میان مردم و از یک  
 سوره و فشار عواطف خارجی ذکر شده از دیگر سو رژیم را  
 در موضع بسیار ضعیفی قرار داد و او را ناگزیر به دادن به  
 ارادهای عقب نشینی ناگزیر کرد.

تحولات یاد شده اخیر یاد کرد ضرورت و احتیاج ناپذیر  
 بودن این عقب نشینی را انجام پذیرفت و یاد شرف انجام  
 است.

\* \* \*

رژیم می گوید عقب نشینی خود را به عنوان یک ضعف  
 لاعلاج از دیدگاه مردم مکتوم نگاشته دارد. اما سستی بنیادها  
 و بیوشالی بودن چارچوب حکومتی و عدم اعتمادین و نگرانی  
 عینی که بر جلد و کارگزارانش مستولی شده و این عقب نشینی  
 را به هیچ وجه قابل رویت کشانده است. البته خرمنوع -  
 شتابزدگی در نتیجه میزان این عقب نشینی و چگونگی رست  
 رژیم پس از آن و از سوی جازان نه رژیم ممکن است به نتایج  
 غدار و در نتیجه ناچهاره آمیز بیانجامد. همین که می توان  
 محتک بود که رژیم تا این حد بی ریشه و پوسیده و مفتضح  
 حتی از رژیم عقب نشینی چندان نمی دارد. با حفظ موازنه و  
 بنیاد این جاد و کهنه و ارتجاعی کمونی و عقب نشینی شاه و  
 لغوان و انماراو بی شک محدود و ناچیز است و پیشتر به یک  
 مانع می ماند و نمی تواند برای افراد و نیروهای متوقی زیاده  
 شوق انگیز باشد. رژیم می داند که عقب نشینی او را نمی توان  
 از کنترل خارج شود و از صورت یک حادثه به صورت یک  
 روند درآید و بنابراین به پیروی از خصلت کوتاه بینی خود سعی  
 بقیه در دسترس

رژیم عقب نشینی نشیند؟

نگیند - جریان داشت و در این مرحله به نفع عربستان  
 سعودی شامهد برقت و سوالی جدید با جهیزیه گرانبهای  
 چاه های نفتی خود در صدر بر سر ای امیرالهیسم پانکی نشست  
 بر این سیاست جدید فاق از رژیم چون رژیم شاه  
 جلا د ایران که در کلیه برنامه های اصلاحی و اجتماعی و سیاسی  
 و اقتصادی شود با شکست وین بستم کامل روبرو شده است و  
 فساد در همه اشکال آن در تمام نمود و ذرات ابرسون کرده  
 و از دل کوچک ترین و بیزار را افتاده ترین صایله اجتماعی نایر  
 ترافیک و تابعین شیرو یاز و شاد و نوشت مردم عاجز است  
 از نارد راز مدت برای اربابان اصیلگی که در یک نیر  
 جهانی و دشوار مردم و زندگی اند و روز به روز غاطس ترسنت  
 تری شود. ارباب امریایی که نمی خوانند قبول بر حاصل و  
 صهی چون ایران را چون دیگر قبول نمایند در آفریقا و  
 آسیا و دیگر نقاط جهان از دست بدهند و مایل نیست  
 که رژیم به با فساد روی لیاقتی و صفائی ای بی آینده خود و  
 هر چه بیشتر پایگاه این برادر میان مردم از دست بدهند.  
 اربه ضرورت و عقیده بودن اقداماتی نظیر اصلاحات ششم  
 بهمن - که در زمان تصدی آندی و محضرت حسین جناح  
 از دموکرات ها انجام گرفت - معتقد است. بنابراین  
 فشار و شوه برای تبدیل فشار و انجام اصلاحات  
 محدود و بی فشار تا این درک است. و با زعم پاسخ کارتر  
 به دو بیام تبریک شاه به ضامه پیروزی او در انتخابات  
 و تقاز دوران ریاست جمهوری اش از تخریف عقیده بیمن  
 تهران - راشتکن را آشکار می سازد. فراموش نکنیم که  
 سناتورهای دموکرات در کنفره امریکا ایران را به انهای حقوقی  
 که از اسلحه امریکایی اشباع شده نامیده ماند و نسبت به  
 وجود چندین ده هزار امریکایی و انبارهای عظیم تسلیحات  
 امریکایی در چنین کشوری اظهار نگرانی نمود ماند. با این  
 مقدمه می توان قبول کرده در رقابت تهران - ریاض با  
 وجود جانبداری کارل اسلحه از ایران ریاض برنده شد.  
 اما این تحول بایک حادثه خارجی دیگر همراه بود و آن  
 بعرض وسیع سازمان های بر شیبیت جهانی علیه اختناق  
 در ایران و همیج نیروهای دموکرات و آزاد بخواد در غرب  
 سرمایه داری در جهت یاری رساندن به زندانیان سیاسی  
 ایران بود. در حالی که در این مبارزات سازمان عفو  
 بین المللی که یکی از بانفوذترین سازمان های دموکراتیک  
 غرب است و بسیاری از شخصیت های سیاسی و ادبی و نوی  
 و اجتماعی و حقوقی اروپایی در آن عضویت دارند و یک رده  
 بود و دانشجویان ایرانی آن را از کشورهای سازمان های  
 مخالف رژیم نیز تولید نماید این توافق رسیدند که سال  
 ۱۹۷۷ را از شمار به مبارزه با رژیم شاه د نند و بر  
 محور این کوشش ها نیز و اتفاقا خود را موافقا صکوت  
 بگذارند. به دنبال این موافقت بسیاری از سند یکا و

به ضابطه مسالک و شهادت سرو کسرخ و کرامت دانشیان

# گل سرخی که همیشه شکوفان است

وقتی جلاد نهال زندگانی سرو کسرخ و کرامت دانشیان را از دایه در آورد و مردم به گل سرخ روی آوردند تا از آهسته آهسته نام یاد این شهیدان آزاده و دلیران زنده نگاه دارند و هم به آن ستغری که می‌خواست دلگزار ایران را به کوی لوت بدل کند و خشم و نفرت خود را نشان دهند و مردم در ایمن منظورش موفق شدند و جلادان این نشانه را فهمیدند و کاریه جایی کشیدند سوارک به ترکش که به شکلی گل سرخی با خود داشت و با سوختن می‌نگریست!

مکن بود چنین تصادفی در تشابه نام روی ندهد در واقع همچنین تصادفات استثنایی است. دانشیان که همراهِ کسرخ به پای تیر اهدام رفت و حکمت جو که چون تیرایی زیر شکنجه شهید شد و آن ده ها و صد ها فرزندانش شایسته خلق که بی دریغ جان خود را در راه آرمان انقلابی خویش نثار کرده اند و نام "عادی" داشته اند. ولی مردم محرومت امکان فریضتی یافته اند احساس خود را در باره قهرمانان خلق با برجسته کردن یک شعور و یک توانمندی که ناچار آنچنان که بتواند بیانگر این احساس انسانی باشد و بروز داد و ستد این سیاست خلق در برابر فرزندان قهرمان خویش در عین حال نشانه مقاومت و مبارزه است. و عین است که قهرمانان جدیدی را می‌پرورد. از آن زندگی کسرخ و دانشیان حکمت جو تیرایی و ده ها و صد ها نفر دیار از مبارزان راه خلق برپوشیده است و گل سرخی که صفا بر شرف آزادی و نشانه مقاومت و مبارزه است و همیشه شکوفان است و زینسرا که خلق که زاینده شرف و آزادی و مقاومت و مبارزه است جاویدان است.

رئیس شاه که برای حفظ سلسله نمود و انقضای خویش گروه صیبن پرستان راه دادگاه های فرمایشی نشانای و از آن جا به زیر شکنجه و با به پای تیر اهدام می‌کشاند و گاه "طایرک دادگاه پسند" هم برای اثبات "جرم" متهمان در اختیار دارد. شهادت می‌شود "زنا" متهمان خود اعتراف می‌کنند که برای سرنگ کردن ساختن رژیم شاه و برای برچیدن بساط ظلم و استبداد به پا ایستادند! ولی اتهام متوجه برای بودن افراد خانواده سلسله است. "هده" به گروه کسرخ و دانشیان وارد شد و از بویخ زمین بی پایه بود. سوارک بسا تمام تلاشی که کرد و دادستان ناامنی با تمام "جبارتی" که به خرج داد و بهین کدام نتوانستند کوچک ترین عذر را در لیلی برای اثبات این اتهام ارائه دهند. و دادگاه ناامنی فرمایشی به صورت خیمه شب بازی صابرای در آمد. با این همه کسرخ و دانشیان محکوم به اهدام شدند و شربت شهادت

نوشیدند. چرا؟

فرمانروایان ستغری با وجود محدودیت فکری طبقاتی خویش این واقعیت را درک می‌کنند که اثر افکار انقلابی امکان ندارد بائند امکان تبدیل شدن به نیروی مادی را نیز خواهند یافت و این همان خطری است که موجودیت آن را تهدید می‌کند خواهد کرد. آن‌ها این واقعیت را هم درک می‌کنند که نمونه ای مقاومت ضد آکاری و قهرمانی به مبارزان انقلابی به خلق پیکار چون نیروی مادی در آمد و این خدولنا بودی نظام استثمارگر و ستغری را تشدید خواهد کرد. دستگاه جاسوسی و پیگیری زندان شکنجه و اهدامی که رژیم شاه بر پا ساخته برای آن است که از نشر افکار انقلابی و از تهدید شدن افکار انقلابی به نیروی مادی جلوگیری کند و برای آن است که مصادیق مقاومت و مبارزه مردم را باهاوار کردن به تسلیم و توبه و با پناهنده جسمی شود کند و برای آن است که امید خلق را به پیروزی آزادی و عدالت با تومیدی مبدل سازد.

کسرخ و دانشیان به ندای خلق گوش فراد اند و هنر خود را در خدمت خلق گذاشتند و هدیه های ستغری آن‌ها را نپذیرفت و شکنجه جلادان آن‌ها را از پای در نیامد و حکم اهدام مقتدر و اراده شان را مست نکرد. کسرخ و دانشیان در شرف اهدام گفته بودند:

ما همین فردا  
کاری خواهیم کرد  
کاری کارستان.

کسرخ و دانشیان با ایثار جان خود به راه خلق به سه آرمان انقلابی خویش وفادار ماندند و و کاری کردند کارستان! از نظر مردم همه خلقی شاه چه جبری بالاتر ازین ممکن است وجود داشته باشد؟

ولی فرمانروایان ستغری وقتی می‌خوانند با تداوم و تهدید با نیرینه زور و بازندان و شکنجه و اهدام "کاری" که موجودیت ننکین آن‌ها را تهدید می‌کند باز بین بپروند و دیگر واقعا در چارچوب محدودیت فکری طبقاتی خود اسیرند. آن‌ها نمی‌توانند درک کنند که با زروسیم و باداغ و درفش نمی‌توان از تکامل تاریخ جلوگیری کرد که خلق با باطن خونین از شکنجه ستغریان و بدل اند و همین از شهادت هر زمان و ولسی سرانجام به آزادی خود دست خواهند یافت. گل سرخی که بیس از شهادت کسرخ و دانشیان بیانگر احساس مردم نسبت به این جنایت رژیم شاه شد و بیک این فرد آزاد بود.

و برای آن که زورشید آزادی چشمان ما را با نور روشن کند خود زود تروشن کند و همیشه از هر چیز و قبل از هر چیز به یگانگی بقیه رصفحه ۵

رژیم عقب نشینی نشینند؟

نگینند. جریان دائمیت در این مرحله به نفع عربستان سعودی، خاتمه پذیرفت. سوئلی جدید با جهت گیری گرانبهای چاه های نفتی خود در بندر نورصرای امیرالیهسم بانگی نشست بر این سیاست جدید و قانع از رژیم چون رژیم شاه جلال ایران که در آلیه برنامه های اجتماعی و سیاسی و اقتصادی خود با شکست رین بست کامل روبرو شده است و فساد در همه اشکال آن در تمام نسو و وزارت ارسون کرده و از حد کوچک ترین و بیش از اندازه ترین سایل اجتماعی تا بی ترافیک و تا همین شیرویز و شمار و نوشت مردم عاجز است از تار و راز مدت برای اربابان امریکایی که در کمریک نبر جهانی و شمار مرده و زندگانی اند روز به روز غاضب تر نسبت نوی نمود. ارباب امریکایی که نمی خوانند قبول بر حاصل و صهی چون ایران را چون دیگر قبول نمایند در آفریقا و آسیا و دیگر نقاط جهان از دست بدهند و مایل نیست که رژیم ه با فساد روی لیاقتی و صفاتی ای بی آینده خود و عجزه بیشتر بیاگاه این برادر میان مردم از دست بدهند. اربه نوریت و عقیده بودن اقداماتی نظیر اصلاحات ششم بهمن - که در زمان تصدی آندی و محترمت همین جناح از دموکرات تا انجام گرفت. - معتقد است. بنابراین فشار بر شاه برای تبدیل شمار و انجام اصلاحات محدود و بی شمار تا این درک است. و با زعم پاسخ کارتر به دو پیام تبریک شاه به ضامیه - پیروز از درانتخابات و آغاز دوران ریاست جمهوری ایالات متحده عقیده همین تهران - واشنگتن را آشکار می سازد. فراموش نکنیم که سناتورهای دموکرات در گذشته امریکا ایران را نه انضامی حقوقی که از اسلحه امریکایی اشباع شده نامیده ماند و نسبت به وجود چندین ده هزار امریکایی و انبارهای عظیم تسلیحات امریکایی در چنین کمبری اظهار نگرانی نمود ماند. با این مقدمه می توان قبول کرده در وثاقت تهران - ریاض با وجود جانبداری کارتر اسلحه از ایران دریاضی بونده شد. اما این تحول باید که حادثه خارجی دیگر همراه بود و آن بیرون وسیع سازمان های برحیثیت جهانی علیه اختناق در ایران و همیج نیروهای دموکرات و آزاد یخواه در غرب سرمایه داری در جهت یاری رساندن به زندانیان سیاسی ایران بود. در حالی که در این مبارزات سازمان عفو بین الطلی که یکی از بانفوذترین سازمان های دموکراتیک غرب است و بسیاری از شخصیت های سیاسی و ادبی و نری و اجتماعی و حقوقی اروپایی در آن عضویت دارند و یک رچطه بود و دانشجویان ایرانی - ارا از کشورهای سازمان های مخالف رژیم نیز تولید میابد این توانش رسیدند که سال ۱۹۷۷ را از تصاحب به مبارزه با رژیم شاه د غنود و بر محور این کوشش جهانی و اختلافات خود را موثقا صکوت بگذارند. به دنبال این موثقت بسیاری از سند یکا - ساو

اتحادیه ها و جمعیت های کارگری حقوقی و ادبی و دموکرات در کشورهای اروپایی اعلام آمادگی کردند که در سال مبارزه جهانی علیه رژیم ایران فعالانه شرکت خواهند کرد.

۲- عوامل داخلی

در حالی که عوامل خارجی در پیوند نخستین با هم به یک جریان نیرومند علیه رژیم شاه تبدیل شده و کاهش تولید نفت - به دنبال خیانت عربستان په اولک - سالیانه بیش از ۷ میلیارد دلار از درآمد ایران کاهش می دهد. با توجه به این که سال گذشته ایران با در دست داشتن درآمد ۲۲ میلیارد دلار درآمد نفتی بازم سه میلیارد دلار کمتری موازنه داشت و تاثیرات فوق العاده این کاهش ناگهانی بر اقتصاد ناتوان و در حال تلاش رژیم - که به یک اقتصاد شکنجه به نفت است و یعنی ۹۰ درصد آن به درآمد نفت تکیه دارد - قابل دریافت است. ۵۰۰ میلیون دلار قرض با شرایط نامعنا از بانک های اروپا بی که در چند هفته پیش صورت گرفت و نتوانست حتی نقش یک قرض مسکن را برای رژیم ورشکسته شاه بازی کند.

بدینسان ضعف مفرط اقتصادی و در رفتن ورشکستگی سیاسی و اجتماعی رژیم و بی پایگانی او در میان مردم و از یک طرف و فشار عوامل خارجی ذکر شده از دیگر سو رژیم را در موضع بسیار ضعیفی قرار داد و او را ناگزیر به دادن به ابراهای عقب نشینی تا کرد. تحولات یاد شده اخیر بارک ضرورت و احتیاج ناپذیر بودن این عقب نشینی را انجام پذیرفت و یادشرف انجام است.



رژیم می کوشد عقب نشینی خود را به عنوان یک نصف لاعلاج از بدگاه مردم مکتوم نگارد. اما سستی بنیادها و بیوشالی بودن چارچوب حکومتی و عدم اعتماد نگرانی عینی که بر جلد و کارگزارانش مستولی شده و این عقب نشینی را به هرج و مرج قابل رویتی کشانده است. البته خرمنوع - شتابزدگی در تعیین میزان این عقب نشینی و چگونگی رست رژیم پس از آن و از سوی مبارزان نه رژیم ممکن است به نتایج غدار و در نتیجه ناچهاره آمیز بیانجامد. همین تدری توان مستحک بود کمزری تا این حد بی ریشه و بیوسیده و مفتضح استی و رژیم عقب نشینی چندانی ندارد. با حفظ موازین و بنیاد این جامعه و کهنه و ارتجاعی کمونی و عقب نشینی شاه و لغو و انحصار او بی شده و ناپذیر است و بیشتر به یک مانور می ماند و نمی تواند برای افراد و نیروهای متوق زیر ساد شوق انگیز باشد. رژیم می داند که عقب نشینی او بر آن ممکن است از کنترل خارج شود و از صورت یک حادثه به صورت یک روند درآید و بنابراین به پیروی از خطت کوتاه بینی خود سعی بقیه در عقب نشینی

گل سرخی که...  
آزادگان نیرو است . چه زیاده دست گفته است گسرخ  
که :

باید در هر سپیدی الیز  
نزد یک توشوم  
باید یکی شوم  
اینان هم اسنان رنگانگی ماست .  
در سالگرد شهادت خسرو گسرخ و کرامت دانشیان  
و یاباد همه شهیدان راه آزاد میهن من زما ایران هار دیکر  
پیمان می بندد بیکه برای تحقق این یگانگی از همین کوششی در رخ  
نورزم .

رقیم عقب می نشیند ؟  
می کند با حزم و احتیاط گام به عقب بردارد و طوری گام بردارد  
که با یافتن کمترین فرصت ضابط بتواند خیزهای بزرگتری به  
جلو بنماید و عقب نشینی های خود را جبران کند .  
اما حتی این برداشت مانع از آن نیست که نیروهای  
ملی و شرقی در برابر رویدادهایی که در حال تکوین است ، بی  
تفاوت و خنثی باقی بمانند . باشناخت و دقیق خلصت  
دشمن و شکردهای او می توان عرصه عقب نشینی او را بیک  
قدم پیشروی نیروهای شرقی تبدیل کرد . مبارزه ما همواره  
در نه جنبه ماست . از لحاظ مفهومی در جادسه  
چیزی ، در عقب نشینی و حتی در مانور . حتی اگر ابعاد آن ناچیز  
باشد - باید به فراخور مسود جست . عقب نشینی رژیم  
خشک اندیش و خند مردمی شاه در برابر نیروی فزاینده افکار  
عمومی و مبارزات مردم و در تحت تاثیر تضاد های روز افزون  
و عمیق درونی و جهانی ، یک بار دیگر ضرورت اتحاد همه  
نیروهای ضد رژیم را در یک جنبه مشترک تصریح می کند . چنین  
اتحادی می تواند ثمرات عقب نشینی های از این گونه را به  
نفع مردم و نیروهای دموکراتیک هر چه بیشتر و وسیع تر  
سازد و روند سرنگونی رژیم را تسریع نماید .

سپرد در راه تحقق برنامه حزب  
تسوده ایران وظیفه هر ایرانی میهن پر  
است . حزب توده ایران و اعضای حزب و  
کلیه طبقات ، قشرها و عناصر ملی و شرقی  
کشور و همه خلقهای ایران را فراخواند  
که در زیر درفش این برنامه که تنها راه  
تأمین آزادی و سعادت مردم ایران است  
گرم آیند و مبارزه کنند .

★ شمس سر بی نسام ★

از : خسرو گسرخ : سی

بر سینه ات نشست  
زخم صیق کاری دشمن  
اما ،  
ای سرو ایستاده نیافتادی  
این رسم توست که ایستاده بگیری .

در تو ترانه های خنجر و خون  
در تو پرندگان مهاجر  
در تو سرود فتح  
اینگونه چشم های تو روشن  
ترکز نبوده است .

با خون تو  
میدان تو خانه  
در خشم خلق  
بیدار می شود .

مردم  
زان سوی تو : خانه ، بدین سوی  
سرریز می کنند

نان و گرسنگی ،  
به تساوی تقسیم می شود  
ای سرو ایستاده !  
این مردم ، توست که می سازد .

دشمن دیوار می کشد  
این عابران خوب و ستم پر  
نام ترا ، این عابران زنده نمی دانند  
و این در رخ هست اما  
روزی که خلق بیدارند

در قطره خون تو حجاب می نمود .

این خلق ،  
نام بزرگ ترا  
در نور سرد میهنی این  
آرازی دمد

نام تو بد چم ایران  
خزیده نام تو زنده است .

انقلابی را يك گام جلو برد و در طول مدت مسویر آن راتسهیل کند. تاریخ حزب ما سرشار از جانبا زی و جانبا زان است. سیمای تابناک دکتر تقی ارانی ( که روز شهیدان به نامهای اوست و نمونه کار او الهام بخش توده ای ما است ) در ما و مدتها قهرمان در صفت ما پیروده است. آری رفیقان نیمه راه و مرتدان و خائنان هبست فطرتان و تسلیم جانان نیز بوده اند و خواهند بود. آن که جا هستند. با وجود آن ها هیبت يك جریان انقلابی عظیمی نمی شود. تکامل يك حزب انقلابی پرفراز و نشیب و دردناک است. این يك واقعیت سرسخت تاریخی است که مکتب توده های پرورنده قهرمانان و قهرمانی است. منتها نوع تازه ای از قهرمان - قهرمانی که با حزب و با خلق و با جهان بینی علمی و با جنبه انقلابی جهانی پیونده سرشتی دارد و در چارچوب تاکتیک و استراتژی و در چارچوب سازمان حزبی و انضباط حزبی خود عمل می کند.

با آن که ما در این مسئله موضع علمی و آزوده و در ادراک اولی از تنگه ناری و تعصب بی جا به دوریم. مانع فقط در برابر قهرمانان - اینها نهضت توده های و نهضت آذربایجان و کردستان شهیدان بر افتاد سازمان نظامی حزب توده ایران سر تعظیم فرود می آوریم و در مقابل باید اران دلیری که در سال های اخیر - و لوازم و مواجیح نادرست - ولی با صداقت پرورند و دیو و دزدان و پهلوی و اربابان سردانه ایستادند و شهید شدند و با سراز تحسین و احترام می کنیم. رفتار بسیاری از آن ها در ساعت و روزی شکنجه و در درگاه نظامی و در مقابل جوخه اعدا و اوقام قهرمانانه بود. عابسی سر بلندیم و از این خلق ای ما چنین در تهران و جوانان به حد افسانه آمیزند لاری بیرون آمدند. ولی احساس تپیدن و احترام نسبت به صداقت و ایثار و شهادت آنها حتی يك لحظه مانع جدی ترین انتقاد مانسبت به رهبران و تاکتیک و استراتژی لنینی مبارزه نیست. در این جا مسئله اصولی است و آن را با احساسات نمی توان حل کرد.

درس های تاریخ مهیب و خونین است. خاطره شهیدان مازا به اتحاد و اتحاد عمل می خوانند. نیروی که مخالفان استبداد و استعمار باندک نیست. اگر این نیرو به جای آن که قدرت در گونگن کند و خود را صرفاً ناتوان کردن یکدیگر کند و با ضعی درست سیاسی - سازمانی به دشمن خفیه و بلق میسای ایران بی بینی رژیم نفوتمحیطی و مطرد تا ماه بتازد و در شرایط جهان امروز که با تغییر مستمر تقاسم سلطه و نادره جبهانی به سرد نیروی ملی و محو کراسی و پیشرفت اجتماعی و سوسیالیستی و فتح به سود خلق - ادراک میور است. و روز پیروز ترابه مراتب نزدیک تر ساخته است.

درد پرشور به خاطره تابناک شهیدان قهرمان  
حزب توده ایران و جنبش رعشایی بخش ایران و در  
پیشاپیش آنها دکتر تقی ارانی رهبر و حجت کشان ایران

روز شهیدان حزب ... استعمار و استعمار و فقط برای آن که تصویری به دست آید از این میان تنی يك نام را نباید فراموش کرد!  
آن روز خواندیم رسیده اسم را ایرانی که به نام آرمان مقدس استقلال و آزادی خلق به دست ستمگران و تجاوزگران بمشاک و خون غدایده و یا آذین داران شده و زینت شهرت و کوی ما شود و مورد ستایش و تمکین قرار گیرد.

از این میان عشق يك نام را نباید از یاد برد!  
آن ها رفتند ولی آن خلق بزرگ است که سیاستگذاران صمیم خود ستمگران صدمیق نبود باشند. چه چیز از شهادت و ایثار نفس در راه اثبات صداقت خود بالاتر؟ چگونه می توان چنین دوستان شایسته خلق را از یاد آورد؟ حرکت!



برای ما مارکسیست! شهادت به خاطر شهادت مطرح نیست. در تخریب و سالی کمیشتانی گفته قول مولوی ما " مرغ مرگ اندیشتر " بودند می گفتند: " به یاد مرگ باش! " ما مارکسیست های گوئیم: " به یاد زندگی باش! " ما شهادت را در آن سوی زندگی نمی جوئیم. می خواهیم همین جا در همین عالم ایستادن کنیم. چه خون سرد و اقبال پاکستانی:

مقدمه زنده دلان: واپ بریشانی نیست  
از همین خاک جهان دلوی ساخته تن است.

ما زندگی را دوست داریم و برای آرامتن و زیبا ساختن می کوشیم. عیش باه و زیبا کردن نیست. هدف ما مبارزه موثر کردن است.

در ایران همراه سازانی پیدا شدند که " شهادت " را هدف غایی نبود می دانند. شهادت به خاطر شهادت این سخن ناروایی است. فاین يك شمارویی آثار شیمیستی است يك مارکسیست لنینیست هرگاه روپاشد با سر بلند می جان شود در راه خلق خود نشان می کند و ولی فقط هرگاه سرد باشد. يك انقلابی واقعی تسلیم دشمن نمی شود و به پستی خیانت تن در نمی دهد و مرگ را بر زندگی برانو ترجیح می دهد ولی بانجام خواهی گوئیم که زنده بماند و مبارزه کند به عشق به زندگی و سر بلند می در مقابل مرگ. شهادت. گمانی در ایران ( بسیاری از آن ها صدقانه) تئوری درست ضرورت نیرو سیاسی و سازماندهی سیاسی - مکتبان را " تئوریست " نام نهادند! گفتند " موثره را " گوئی " باید و در راه عیان انگند تا " بیخ سکوت " را بشنوند! این حرف ها و تکرار می شود و با آن که شای آن در عمل به کرات ثابت شده و انرژی از بزرگان به عیب بر آن بر یاد رفته است.

انقلابی همرا از بعد اشکال مبارزه اعماز سلسله تغییر استفاده می کند ولی به شرط آن که این مبارزه برای خلسق مفهوم باشد و امر آنجهیز کند به دشمن ضرورت موثر بزند و



# خبرها

## سازمان زمین تو لایه رژیم علیه کارگران

تازهترین دستپخت رژیم ضد کارگری شاه برای کارگران شریف ایران، پایمال کردن تمسقی از حق مسلم آنها در زمینه دریافت "سود ویژه" است. انجام این تصمیم کثیف به آزمون وزیر کار و جاسوس شناخته شد مساواک و آقا ارشد هم صورت مصیبتی بر تانگن سهم شدن کارگران در سود کارخانه جلو گرفته است. بر اساس مصوبات اخیر از این پس تنها کارگرانی در سود ویژه و واحد های صنعتی سهم می شوند که حد اقل یک سال تمام در آن واحد به کار مشغول باشند. اما نکته شریف این که رژیم ضد کارگری، تصمیم گرفته است به نفع سرمایه داران حقوق و امتیازات کارگران را محدود سازد و در اجرای این هدف مقرود آمده است که به ازای هر روز غیبت موجه یا غیر موجه کارکنان از میزان سهم سود ویژه آنها کاسته گردد. حتی معادل روزهای که کارگر به مرخصی استعلاجی سالانه می رود از سهم سود آخر سال او کم خواهد شد. این اوضاعی آزمون مساواکی و سرمایه داران چپاولگری که او نماینده آنهاست مبنی است که سود ویژه به خاطر شرکت فعال کارگران در تولید به آنها اختصاص می یابد. بنا بر این در روزی که آنها به مرخصی می روند و گرچه این غیبت موجه است و نقشی در تولید ندارند و نمی توانند از ثمرات آن نیز بهره ای ببرند. نکته دیگری که در این برنامه سازمانده گنجانده شده این است که میزان سود ویژه کارگرها کمتر مشغول او تعیین می شود و کارگرانی که مسئولان آنها نظارت و حوشی نسبت به آنها ابرازند و تنها از حد اقل سود برخوردار خواهند شد. قراردادن این رابطه شخصی به جای رابطه مشخص کار و این هدف غیر انسانی را دنبال می کند که با بهره سود ویژه کارگران را به کار هر چه بیشتر وادارند و نرخ بهره واقعی کار بهره کسی از کارگران را تا حد مقدور بالا ببرند. ما ضمن اعتراض شدید به این تصمیمات ضد کارگری ضد انسانی و استثمارگرانه و توجه کارگران زحمتکش را به این حقیقت جلب می کنیم که تنها راه مقابله با رژیم فاسد و دروغگو و توطئه چین شاه و تشنگ دروازه های صنعتی سیاسی و حزبی و چهارم به یکدیگر در راه سرنگونی آن است. تا وقتی این رژیم جلا و غارتگر وجود دارد و کارگران هر روز زخم تازه ای بر پیشانی زحمتکش خود احساس خواهند کرد.

## رژیم در جهت کاهش سطح زندگی مردم اقدام می کند

اخیرا رژیم شاه اقدام کرده که دولت به تدریج خود را از واردات بسیاری از کالاهای ویژه مواد غذایی و سیمان و کنگر

می کند و این کار را به بخش خصوصی می سپارد. (۱) زیرا "ادامه وضع موجود و وارد کردن مواد غذایی طنند مرغ و تخم مرغ، بزرگ و سیمان و دیگر کالاهای با پرداخت ماهه متفاوت قیمت های وارداتی و داخلی ... به ویژه در کاهش در آید نفت ... دیگر برای مدت طولانی ممکن نیست". (۲) و این فکر دارند که "دیگر ... کمک دولت به مصرف کنندگان ... در این نخواهد بود و کالاهای وارداتی با احتساب قیمت تمام شده به اضافه محاسبه سود وارد کنند و فروشنده در اختیار مصرف کنندگان قرار خواهد گرفت". (۳)

فهم واقعی این اقدام دولت آن است که از این پس توده های زحمتکش مردم باید پول بیشتری از دستمزدها و حقوق ناچیز خود برای خرید مواد اولیه غذایی و سوگو کردن شکم خود و خانواده خویش بپردازند. یعنی قیمت بسیاری از مواد غذایی بازنرم در مقیاس بی سابقه ای گران تر خواهد شد و سایر بالا رفتن قیمت سیمان و سایر مصالح ساختمانی قیمت خانه و اجاره بها نیز سر به آسمان خواهند زد. و این در حالی است که مقامات دولتی می کوشند دستمزدها را منجمد کرده و حتی کفش دهند و علت این اقدامات ضد مردمی خود را هم کاهش در آمد نفت ذکر می کنند. رژیمی که میلیارد ها دلار در آمد نفتی ایران را صرف خرید چند افزارهای مدرن تهاجمی می کند، به شهری که ایران را به زرادخانه سلاح های رنگارنگ و آرد کشورهای امپریالیستی تبدیل کرده است، رژیمی که میلیارد ها دلار از در آمد نفت را از طریق دادن وام و خرید سهام گمبانی های رویه ورشکست امپریالیستی به منظور نجات آنها به گاو صندوق انحصارات کشورهای امپریالیستی می ریزد، رژیمی که میلیارد ها دلار از بودجه کشور را صرف عیاشی ها و خوش گذرانی ها و جشن و سرور های گدایی خود می کند، هنگامی که با مسائل حاد و حیاتی مردم روبرو می شود خود را کنار می کشد و می گوید بودجه نداریم و در آمد مان کم شده و غیره و در حالی که از زمان شب مردم می زند به خرید سلاح و حیثیت میل بودجه کشور ادامه می دهد. از سویی با سیاست های ضد ملی و اسارت خرد کشاورزی ایران را در چار و شکت بسی سابقه ای کرده و غذا و مسکن مردم را به واردات از کشورهای دیگر به ویژه کشورهای امپریالیستی و در رأس آنها ایالات متحده آمریکا وابسته نموده و از سویی دیگر حساس خواهد بود و واردات را به بخش خصوصی یعنی بزرگ سرمایه داران غارتگر داخلی (و احیاناً خارجی) و در رأس آنها درباریان و وابستگان به آنها بسیار تا جیب های گشاد و پرناشدنی خود را پیش از پیش با غارت دستمزدها و حقوق زحمتکشان کشوره که بدون این نیز زندگی فلاکت بار و پریشان دانه و پسر کنند.

تا این رژیم سر راست بود، ماری، خوش روانه و غصه  
دید. متعجب بودیم رژیم غم مردمی شاه را سرنگون کنیم!  
۲۶۱ و ۳ - کیم آن شماره ۱۰۰۲۸ نهم بهمن.

اعتصاب درد انشکگاه صنعتی آریامهر

درد انشکگاه صنعتی آریامهر روز دوشنبه ۲۹ آذر و  
خورد شدیدی بین دانشجویان و پلیس آریامهر در گرفت.  
ماجرا از این جا آغاز شد که دانشجویان به ادامه بازداشت  
عدهای از رفتای خود که در جریان تظاهرات روز ۱۶ آذر و  
پیش از آن دستگیر شده بودند اعتراض داشتند و به رئیس -  
د انشکگاه ۲۹ آذر ماه فرصت دادند تا ترتیب آزاد شدن  
آن ها را بدست دهد و تهدید کرد که در صورت عدم توجه به خواست  
شان دست به اعتصاب خواهند زد. اما رئیس انشکگاه  
توجهی به درخواست دانشجویان نکرد و در نتیجه دانشجویان  
روز ۲۹ آذر اعتصاب کردند. اما اعتصاب آن ها با وجود چشمان  
پلیس روبرو شد. دانشجویان تا آریامهر دفاع از خود شدند. پلیس  
تا آریامهری عد های از دانشجویان و حتی عد های از استادان را که  
با دانشجویان طردی می کردند زخمی کردند. این رفتار  
رنجیلانه پلیس باعث شده در فردای آن روز (۳۰ آذرماه)  
استادان دانشگاه نیز به اعتصاب پیوستند و به بی لیاقتی و سر  
سپردگی رئیس دانشگاه و بدرفتاری با دانشجویان به شدت  
اعتراض کردند.

اعتصاب کارگران کارخانه پارس الکتریک

کارگران کارخانه پارس الکتریک ( جنب دانشگاه صنعتی  
آریامهر) روز یکشنبه پنجم دی ماه اعتصاب کردند. کارگران  
به فشار و انتقام پلیسی، آگرم مکنی دستمزدها، افزایش فزاینده  
نمونه زندگی و سلامت کار زیاد و طاقت فرسا اعتراض داشتند.  
اعتصاب کارگران با تهاجم و شیمان پلیس و ماموران ساواک  
روبرو شد و کار به زد و خورد کشید. شدت برخورد به حدی بود  
که ساواک برای سرکوب کارگران از پلیس گارد دانشگاه  
آریامهر نیز کمک گرفت.

دانشجویان دانشگاه صنعتی که خود در روزهای گذشته  
با گارد دانشگاه برخورد می کردند و داشتند می درونک  
متوجه عدم اعتراض کارگران دانشگاه می شوند و پس از پیگیری متوجه  
می شوند که افراد آرد برای سرکوب کارگران دانشگاه استراک  
کردند. این موضوع باعث شد دانشجویان را برمی انگیزد. آن ها  
بابت اعتراض خود رافله و حتی تری های فعال رژیم بلند می کنند  
و من ابراز طرد و بیستگی با کارگران اعتصابی خواستار قطع  
فوری دولت و تهاجم پلیس می شوند.

صحیظ تسرور و خوشنونت درد انشکگاه

روز چهارشنبه اول دی ماه در کتابخانه دانشکده فنی  
دانشگاه تهران حادثه ای رخ می دهد که حاکی از شیوه های  
جدید اعمال فشار فاشیستی بود دانشجویان میهن پرست مبارز  
دانشگاه های ایران است. هنگامی که دانشجویان سرگرم  
مطالعه بودند متوجه ورود چند ناشناس به سالن کتابخانه  
می شوند. افراد ناشناس پس از ورود به سالن ناگهان از  
زیر لباس های خود باتون های آریامهر کشیده و به جان دانشجویان  
می افتند و عد های از آن ها را زخمی کرده می روند. چند لحظه  
بعد خبر حادثه در تمام دانشکده می پیچد و موجی از خشم و  
نفرت برمی انگیزد. چند صد نفر از دانشجویان به طور دسته  
جمعی نزد رئیس دانشکده می روند و از توضیح می خواهند و  
چون رئیس دانشکده اظهار بی اطلاعی می کند همگی به او برخاست  
می کنند و خواستار استعفای او می شوند. سه روز بعد باز حادثه  
تکرار می شود. این بار عد بهشتی به دانشکده شنی آمده و  
به دانشجویان حمله می کند و عد های از آن ها را ضروب می نمایند  
افراد ناشناس که بی شک عمال ساواک آدکش شاه بودند و  
ضمن اعمال جنایتکارانه و عریه کشی های خود شمارمایی  
از قبیل "مرت بومار کسیم" و "مرت براسلام" نیز می دادند.  
چند روز بعد (سه شنبه ۷ دی ماه) در محل کتابخانه  
انفجاری روی می دهد که باعث زخمی شدن عد های از دانشجویان  
و مرگ کتابدار کتابخانه که یک دختر فوق لیسانس بوده و  
می شود. در روزنامه های ساواک زده علت انفجار را ترکیدن  
لوله های گاز قه می کنند اما دانشجویان دانشگاه عقیب عد  
دارند که انفجار ناشی از همین بوده که ماموران ساواک به منظور  
ایجاد صحیظ تسرور و وحشت در کتابخانه کارگذاشته بودند.

اعتصاب دانشجویان مدرسه عالی ورزش

روز شنبه ۱ دی ماه دانشجویان مدرسه عالی ورزش  
به عنوان اعتراض به وضع بد غذا و قطع کمک هزینه تحصیلی  
اعتصاب می کنند و به طور دسته جمعی از محل خوابگاه به  
طرف درکده الصیك حرکت می کنند. ضمن راهپیمایی شمار  
ای منفی رنگ سیاسی می گیرند و به ویژه شعار "سرنگون باد  
حکومت استبدادی شاه" باطنینی هرچه رساتر از زبان صفوف  
دانشجویان به گوش می رسد. در جلوی درکده الصیك  
ماموران انتظامی راه را بر دانشجویان می بندند و زود و خورد  
در می گیرند. در همین زد و خورد سرنگ فریاد نهی و های  
انتظامی ضروب می شود. در همین زمان نیروهای ژاندارمری  
سرمی رسند و عد های از دانشجویان را مضر و عد به کسری  
را دستگیری نمایند. صبح روز بعد کلیه دانشجویان را همراه

با ارائه آن ها از خوابگاه بیرون می‌کنند و بعد به آن‌ها اسلام می‌کنند که هرگز به خوابگاه و دوباره از خوابگاه استفاده کند باید ۲۵۰ تومان بابت تسارات وارده به محل خوابگاه بهر از .

خواست های خود تدقیق بخشند .

حقیقتی پیرامون فعالیت های جاسوسی امریکادرایران

در جریان زلزله اخیر خراسان بسیاری از حقایق پیرامون فعالیت های جاسوسی امریکادرایران برملا شد . پایگاه ژئوفیزیک تهران که می‌بایست زلزله های ایران را ثبت کند ، نتوانست زلزله خراسان را ثبت کند و اعلام شد که دستگاه های این پایگاه از کار افتاده است .

به دنبال اعلام این خبر برای آگاهی از شدت زلزله در سطح مقامات دولتی پیشنهاد شد که از پایگاه های ثبت تشعشعات اتمی شدت زلزله پرسیده شوند اما با هشدار مقامات سطح بالا و ساواک هرگونه تماس با این پایگاه ها غدقن شد . در نتیجه کجکاری تعدادی از دست اندر کاران که قبلا می‌دانستند پایگاه های امریکایی در ایران زیر نام ثبت تشعشعات اتمی فعالیت های دیگری دارند ، فصحیدند که این پایگاه ها صرفا مخفی است برای جاسوسی و دستگاه های عظیم مخابراتی و جاسوسی امریکادراین نقاط نصب شده است . از جمله این پایگاه ها که تعدادشان در حال حاضر در ایران ۷ پایگاه است می‌توان از پایگاه ساوه و پایگاه تهران که در خیابان ملاصدرا قرار دارند نام برد که کارشان کنترل جاسوسی اتحاد جماهیر شوروی است و تمام کارکنانش از وزارت دفاع و امنیت امریکا به عنوان ماهوریت در ایران به سر می‌برند و حقوق شان مستقیما با چک از طرف وزارت دفاع امریکا به ایران فرستاده می‌شود .

تشدید فشارها بر کارگران

به دنبال تشدید فشارها بر کارگران در واحد های صنعتی و در راه های اخیر تعدادی از کارگران و کارمندان بالا پیشگاه های تهران و آبادان را که در مبارزات صنفی و قانونی کارگران نقش داشته‌اند و بابت عنوان کارگران آگاه شناخته شده‌اند از کار اخراج کرده‌اند و با آن‌ها مدارا را تیار کارگرفتنی قرار داده و بلا تکلیف گذاشته‌اند .

پیرامون خواست های کارکنان شرکت توانیر

قرار بر این بود که از آغاز سال جاری ده درصد بحقوق کارگران کارمندان و پرسنل میان شرکت توانیر افزوده شود ، اما مسئولان شرکت از اجرای این توافق سر باز زدند و با این افزایش ناچیز حقوق موافقت نکردند . کارکنان شرکت با نزد مقامات مسئول رفته و خواست خود را مطرح می‌نمایند اما پاسخ مساعدی نمی‌شوند . سرانجام خواست های خود را به نامی که در آن اعضاء می‌کنند به روزنامه ای فرستاده مطرح می‌کنند اما وقتی چاپ نامه در روزنامه نیز از سرخستگی مسئولان در مخالفت با افزایش حقوق کارکنان نمی‌گذرد .

نمونه دیگری از اقدامات ضد کارگری رژیم

از روز شنبه دوم بهمن ساعات کار کارگران کارخانه ایران ناسیونال از هشت ساعت به نه ساعت ها همسان دستمزدهای سابق افزایش یافت . اضافه کار نیز لغو گردید . در حال حاضر کارگران در دو نوبت : از ۷ باطاد تا ۱ بعد از ظهر و از ۷ شب تا ۱ باطاد کاری کنند و صبحانه و نهار را نیز پشت دستگاه و درجه این انجام کار صرف می‌کنند . کارگران به این تصمیم ضد کارگری شدید اعتراض کردند و بیست و چهار نفر از آنان به خاطر رفتن به سندیکا و طرح مسئله در آن جا به میزان دستمزد یک روز کسر جریمه شدند و مریضی شان نیز لغو گردید .

در اوایل آذر ماه بازدهای از نمایندگان کارکنان ضمن مراجعه به مسئولان موضوع اضافه حقوق معوقه و قطع پنجمین باری سایر مزایا را مطرح می‌کنند اما باز هم پاسخ مساعدی نمی‌شوند . لذا چند روز بعد اطلاعاتی از طرف کارکنان انتشار می‌یابد و در قسمت های مختلف نصب می‌شود که در آن ضمن برشمردن خواست های حقه کارکنان و مراجعات آنان و پاسخ های منفی مسئولان از روسا درخواست می‌کنند تا در روز هشتم دی ماه در نهار توری حضور یافته و در مورد علت مخالفت خود با خواست های آنان توضیح دهند . به دنبال انتشار اطلاعیه و اوایل ساواک و آرد انتظامی به تقابلی می‌افتند تا از هرگونه اقدام خصم احتمالی کارکنان جلوگیری کنند . در روز موجود کارکنان در تظاهراتی اجتناب می‌کنند اما هیچ یک از مسئولان حاضر به دور باستان نمی‌شود و تنی ماهوران غذای توری را صادر کرده و از ورود بیشتر کارکنان جلوگیری می‌کنند و آن را ارضی می‌نمایند .

اصلاحه کارگران

مبارزات وسیع و مشکل صنفی ، سیاسی و طبقاتی است

اکنون کارکنان شرکت توانیر پی بردند که جنبه مبارزه یکپارچه و مشکل و اعمال فشار بر کارفرمایان نمی‌تواند به

در باره اعتصاب مقابل فشار کارفرمایان ثابت کردند که در این لحظات سخت هنوز هم مردمانی هستند که می توانند ضایع مشترك ما راه به مشایع ضایع ایقه کارزوه زنده نگاهدارند که کارفرمایان محترم ما هنوز موفق نشده اند ما را برای همیشه تبدیل به مردگان بیچاره جیب های بی انتهای خودشان بکنند . پس رفقسا بیاید پاسرستی همز را سخ به پا کنیم و مبارزه را تا به آخر برسانیم و فراموش نکنیم که نقلا از طریق کوشش مشترك و یکپارچه مان است که می توانیم شرایط خود را به کرسی بنشانیم .

در واقع درجه جنبش کارزور بیشتر شده است و با اینست واقعی رژیم محضرا اما می برنده بیشتری آنکار کرده و توده ها بیشتر و بیشتر می شمارند این راه به طور طویس حس خوا نند کرد : تا سرسختی همز را سخ مبارزه را تا به آخر برسانیم . هرچه جنبش کارگری بیشتر شود آنکارگران اهمیت مبارزه صمصانه تر و مشکل تر و چشم انداز ای روشن تر با بیشتر و طویس تر حسر خوا نند کرد . در عرصه مبارزه و اعتصاب امیدمان که لنین در مقاله زیر نشان داده به ما اینست : «وقت نیست ایقات نشان در جامعه و خلعت ایقا جامعه و تمام روینای سیاسی و قنای آن بی خوا نند بود و اینا بر این صورت مبرم بالا بردن آگاهی سیاسی و ایقاتی خود و استحکام تشکیلات و گسترش مبارزه را و است ای صنفی و سیاسی خود و نیز در راه انداز جنبش انقلابی راه طویس بیشتر درک خوا نند کرد .

جنبش کارزور ایران خود تا کنون قدم ای موثری در این راستا برداشته ( ما را ج کردن تقاضا ای متحد در مورد حقوق کردن و اراج در بیان کارخانه ای حتی در مورد کارخانه کفش طی و طی کردن کارخانه و مطرح کردن تقاضای لزوم بیمه ای اجتماعی برای کارگران و مثل تقاضا ای که در اعتصاب کوره پزخانه ماطس شد و همه نشان دادند این است که صالح آگاهی و مبارزه اقتصاریشروه ایقه کارزور آگاهی صنفی خیلی فراتر رفته است و در سال ای اخیر شده شکست خورده داشته است و لاجرم بار شد سرمایه دار و تعداد ای آن در آینده رشد بیشتری خواهد کرد .

مقاله زیر را نند بسیار در باره انقلابات لنین از این نظر اهمیت دارد که با تجزیه و تحلیل طویس و روشن از پرسه ای و کولوسی که باعث ایجاد اعتصابی شود و اثر آن ابر آگاهی ایقاتی کارگران و اهمیت و مرتبه اهمیت اینست در جنبش انقلابی ایقه کارگری که زمینه تشویک و تحلیلی برای زاور تبدیلین در میان کارگران به دست می دهد .

\* \* \*

در سال ای اخیر اعتصاب ای کارزور در روسیه بی نهایت زیاد شده اند . دیدار تی یک ضایع منمستی که در آن چند یسن اعتصاب روی نداده باشد وجود ندارد و در شهرهای مسزک

اعتصاب ها هیچگاه متوقف نمی شوند . بنا بر این روشن است که کارگران آگاه و سوسیالیست ها باید بیشتر و بیشتر توجه خود را به مسئله اهمیت اعتصاب ها در روشن دیدایت کردن آن ها و و تالیف سوسیالیست های که در آن شرکت می کنند معطوف دارند .

خواست ما این است که برخی از عقاید و نظریات مان را در این باره به طور خلاصه بیان کنیم . در مقاله اول در نظر داریم که به اورگی اهمیت اعتصاب را در جنبه کارگری و روسی کنیم و در بخش دوم مسئله قوانین تمد اعتصاب روسیه را مطالعه خوا ییم کرد و در بخش سوم به روش های که اعتصاب مان در روسیه هدایت شده می شوند و طرز برخوردی که یک کارگر آگاه باید به آن ها داشته باشد خواهیم پرداخت .

- ۱ -

نخست باید توضیحی در مورد پیدا این و گسترش اعتصاب ها پیدا کنیم . هر کس که اعتصاب ای را میخیزد از تجربیات شخصی خود و چه از گزارش های دیگران و میاروزنامه ها به خاطر بیایرد می درنگ متوجه می شود که چرا که کارخانه ای بزرگ برپا شده و بر شماره شان افزوده می شود اعتصاب ایی رخ داده و گسترش می یابد . به ندرت ممکن است که کسی یک کارخانه بزرگ را میان کارخانه ای که صد کارگر بوشی موارد زار را ( کارگر دارند پیدا کرد که در آن اعتصابی روی نداده باشد . زمانی که تعداد کارخانه ای بزرگ در روسیه کم بود تعداد اعتصاب انبیز کم بود ولی از زمانی که کارخانه ای بزرگ چه در حلات صنعتی میخیزد و چه در شهر باو ادب جدید رویه از یاد نگاشته شده اند اعتصاب ها هم زیاد تر شد .

به چه علت تولید یک کارخانه بزرگ همیشه ضربه به اعتصاب می شود ؟ به این علت که سرمایه دار ناچار باید به مبارزه کارگران علیه کارفرمایان متضرر شود و وقتی تولید بعضی وقت عده است این مبارزه به ناچار شکل اعتصاب به خود می گیرد . این را توضیح می دهیم :

سرمایه دار نام آن نظام اجتماعی است که در آن زمین کارخانه ها و مابیل و غیره ... متعلق به تعداد کمی از ملاکین سرمایه داران است و در حالی که توده مردم با استیلا از حق ساقط هستند و با اداری مایطک بسیار کوچی باشند و مجبورند خود را به صورت کارگر بایه بدند .

ما با زمین کارخانه و کارخانه کارگران را گرایه می کنند و آن را به ساتن اجناس مختلفه از چه نوعی فرقی نمی کنیم و ای دارند اجناسی که همه آن اراد را بازار به فروش میرسد .

یادآوری شویم که تنها مقاله اول ( یا بخش اول مقاله ) که بیشتر جنبه عام دارد در این جا منتشر شده است بنویس .

در باره اعتبار به علاوه مزی که با کارخانه های کارگران می دهند به قدری است که تمام ارباب ادانه يك زندگانی بخیر و نیکو سازی خودشان و خانواده شان، اکتفا می کنند. در صورتی که آنچه که کارگران مازاد بر این عقد ارتولید می کنند به هر چه سود به جیب کارخانه در سرازیری شود. بنابراین در نه تنها سرمایه داری و توده مردم کارگران مزدور دیگران هستند و آن بیان برای خودشان تازمی کنند بلکه به کار و دستمزدهای برای کارفرما کاری کنند. همین به معنی است که کارفرمایان همیشه کمترین درکم کردن دستمزدهای دارند و هر چه به کارگران کتیره کنند سود خودشان بیشتر است. کارگران سعی می کنند که بیشترین دستمزدهای ممکن را به دست بیاورند تا بتوانند برای خانواده شان غذای کافی و سالم تهیه کنند و در خانه ای خوب زندگی کنند و مثل بقیه مردم لباس بپوشند نه مانند گداگان. بنابراین نه تنها کمترین کارگران و کارفرما بوسه دستمزدهای در آن کارفرمایان آزاد است و کارگری را که به نظرش مناسب تو بیاید اجب می کند و بنابراین دنبال ارزان ترین کارگری رود. کارگر هم در انتخاب کارفرمایان و در این آزاد است و بنابراین دنبال گران ترین کسی می گردد و یعنی آن کسی که بیشترین مزد را بپردازد. يك کارفرمای در شهر کار کند چه در دهه خود را به ملاک گرایم مدو چه به يك در آن نور و چند و یک قطعه کارو یا صاحب کارخانه و همیشه با يك ارزش با دارد است و با او بوسه دستمزدهای دعوا دارد.

ولی آیا برای يك کار در تنهایی امکان دارد که به تنهایی مبارزه کنند تا به افراد با روزی از بیاد است. در میان در حال خانه خراب شود. دستمزدهای به سوی شهر و کارخانه ها تازمی کنند. ملاکین و صاحبان کارخانه در حال به کار انداختن ماشین آلاتی هستند که کارگران را از مشغول عایشان محروم می سازد. در شهرها تعداد روز افزونی بیکاری در دهات بیش از پیش آید پیدا می شود و آن ها که گرسنه هستند باعث تغلیب بیشتر و بیشتر دستمزدهای می شوند. برای بر کارگردانان و غیر ممکن می شود که به تنهایی با کارفرما مبارزه کنند. اگر کارگران با دستمزدهای مناسب بکنند و یا به کم کردن دستمزدها را رعایت ندهند و از فرجه او خواستند گفت: بیرون! و ادانه خواهد کرد که دم در تعداد زیادی مردم گرسنه وجود دارند که با خوشحالی حاضرند با دستزد کم کار کنند.

وقتی مردم تا آن حد بیچاره شده باشند که همیشه تعداد زیادی بیکار در شهرها وجود داشته باشند و جایی که صاحبان کارخانه از ثروت ای کلان رزی هم انبساط می کنند و خرده مالانین توسط میلیونیترها از میدان به دور می شوند و یا کارمندان در مقابل سرمایه داره ملتانین و بی قدرت است. آن وقت برای سرمایه دار ممکن می شود که کارفرمایان کلی خود کند و از او زن و فرزندش هم به همچنین تا حد مرگ کار کرده و اربکشد. مثلا کارگران به مشغول بیاندازیم

که در آن ها کارگران موفق به جلب حمایت تانین از خودشان شده اند و نمی توانند در مقابل سرمایه داران مقاومت کنند عدت کارخانه بی حساب و بیش از حد طولانی را که گاهی اوقات سر به ۱۹ - ۱۷ ساعت می زند و تراجم دید و کودکان ۵ تا ۶ ساله را و او هم دید که فشار کارشان بیشتر از حد طاقت شان است و يك نسل از کارگران با آنها ترسناک و او امید دید که به تدریج از گرسنگی می میرند و مثلا کارگرانی که در خانه خودشان برای سرمایه داران کاری کنند. به علاوه هر کارگر می تواند تعداد زیادی از این مثال را به خاطر بیاورد! حتی در رژیم نازی بوده داری و نفوذ الهی هم هیچگاه ستم پذیری زحمتکشان به دستنالی ستم دیدگی کارگران در رژیم های سرمایه داری نبود ماسته آنگاه که کارگران نتوانند از خود مقاومت نشان دهند و از حمایت قوانینی که هم مال خود سرمایه کارفرمایان را محدود کند برخوردار شوند.

بنابراین کارگران برای این که این عقد ارشدن خود تا چنین حدی جلوگیری کنند مبارزه نویسد انعامی آغاز می کنند. از آن جا که می بینند که هر که امتشان به تنهایی در مقابل سرمایه داران کاملی قدرت هستند و ستم سرمایه تهدید به نابودیشان می کند و شروع به طغیان دسته جمعی در مقابل اربابان می کنند. البته ایات کارگری آغاز می شود. در ابتدا کارگران شبها نمی دانند که چه می خواهند و چون به هدف های اماال خودشان آگاهی ندارند. تنها ماشین را از خرد می کنند یا کارخانه را خراب می کنند. فقط می خواهند خشم خود را به صاحب کارخانه نشان دهند و نیروی دستجمعی خود را امتحان می کنند تا بگویند می توانند از یک وضعیت غیر قابل تحمل خارج شوند و بدون این که هنوز بفهمند چرا وضعیت شان این قدر نومیدانه است و برای چه چیزی باید تلاش کنند. در تمام کشورها خشم کارگران در آغاز شکل طغیان های منفرد به خود گرفت - پلنیر کارخانه دارهای روسیه به آن ها "شورش" می گویند. در تمام کشورها این طغیان ها منفرد از یک طرف به اهتمام های کم و بیش صلح آمیز از طرف دیگر به يك مبارزه همه جانبه طبقه کارگری برای آزادی خودش منجر شده است.

اهمیت اعتصاب (یا توقف در کار) برای مبارزه طبقه کارگری چیست؟ برای این که به این پرسش پاسخ بدیم باید نخست تصویب کلیتای از اعتصاب داشته باشیم. مزد کارگران همان امروز دیدیم توسط قراردادی بین کارگری و کارفرما تعیین می شود و اکثر تحت شرایطی کارگر منفرد کاملی قدرت ندارد و واضح است که کارگران باید برای خواست ایشان به طور دسته جمعی مبارزه کنند و برای جلوگیری از این که کارفرما مزدها را پایین بیاورد و یا برای به دست آوردن مزد بیشتر مجبورند اعتصاب نمایی را سازمان دهند. این يك واقعیت است که در کشورهای سرمایه داری اعتصابات کارگری وجود دارد. همه

دربار امتصاب

جاء در تمام کشور ای اروپایی و در آمریکا کارگران وقتی که متحد نیستند و در انجمن احساس می کنند و فقط به صورت دسته جمعی می توانند در مقابل کارفرما مقاومت کنند و یا با امتصاب کردن رها بمانند دید به امتصاب با تکامل سرمایه داری و باز شدن تازه انداز بزرگ و ولع بد روز افزون سرمایه داران کوچک توسط سرمایه داران بزرگ و نیاز به مقاومت دسته جمعی کارگران بیشتر و بیشتر می شود چرا که بیکاری زیاد می شود و رقابت سرمایه داران و راه سخی می کنند اجناس را در راه نازل ترین قیمت تولید کنند و بیشتر می شود ( که به این منظور می باید به کارگران دستزد توجه بیشتری بدند ) و نوسانات صنعتی محسوس تر و بی ثباتی با طمب تری شود . وقتی صنعت شروعان است و کارخانه داران سودهای کلان می برد ولی امتصاب به فکر شریک کردن کارگران در سود نمی افتند . ولی با بیز آن دن بیز آن سخی می کنند که سود را به گردن کارگران بیاندازند . در واقع اروپایی لزوم امتصاب در جامعه سرمایه داری تا این حد توسط هر کسی شنیده شده که قوانین این کشور را تشکیل امتصاب را وضع نمی کنند . فقط در روسیه است که قوانین و شیوه های امتصاب امتحان عملی می شوند ( در صورت دیگری از این قوانین و موارد احتمال آن را مدنظر قرار می دهیم ) .

در صورت امتصاب انسانی از خود طبیعت جامعه سرمایه داری انداز آغاز مبارزه البته کارگر بر این نظام اجتماعی برتری ندارد و برود بودن سرمایه داران نوزیمنند با کارگران منفرد می بیند یعنی هر کس به خلق کارزان ولسی وقتی این کارزان می بیند با هم متحد شدند از اج تمهیر میزند ضمیمه ثروتی در دنیا به درد سرمایه دار نمی خورد مگر این که او بتواند کارگرانی پیدا کند که حاضر باشند نیروی کار خود را بر روی وسایل و جودی که خلق به سرمایه دار است صرف کنند و ثروت تازه ای تولید نمایند . وقتی که کارگران ناچارند به طور انفرادی با سرمایه داران معامله کنند همان بردگان واقعی باقی نمانده و می برونند برای به دست آوردن یک قرص نان مداوم به دیوان خفیت برسانند که باید تا به دست کارگران گراینده زبان بسته ای باقی بمانند . ولی وقتی کارگران تقاضای سرمایه صورت دسته جمعی بیان کنند و حاضر به تسلیم شدن در برابر بوزن ان شوند هرگز نمی آید به سری آید و تبدیل بد انسان می شوند و شروع می کنند به دروغ راست این که زحمت آن را نباید تقاسم در دست ثروتمند کردن چند تن بزرگ باشد . باید باید آن ای و را هم که زحمت می کنند قادر سازند بشر انسان ای را تن زندگی کنند کار را شروع به پیش کشیدن نتایج و آشنایی می کنند . تقاضای این که زندگی آن را بایدند آن از راه سرمایه داران و مگر کسی برای آن ادر نظر نداشته و بلند آن از راه خودشان می تواند باشد . بنابراین امتصاب همیشه سرمایه داران را ملحو از

توس می کند . چون که امتصاب تقاضای بر رفتن سروری آن است یک سرود کارگری آلمانی در مورد اینجه کارآرچنین می نویسد : تمام چرخ ها از چرخش بازی ایستند و اگر با زوان نیرومند شما آنرا اراده کند . واقعیت هم همین اوست : کارخانه ها و زمین های ملکین و ماشین ها مغرور طراه آهن و غیره و غیره همه مانند چرخ های بزرگ ماشین عظیم هستند . ماشین های تولید مواد تغذیه را استخراج می کند و عطی آورد و تحویل مقصد می شان می دهد . تمام این ماشین اتومبیل کارگر می کنند . کارگری که زمین را شخم می زند و سفت می کند ای معدن را استخراج می کند و کالا تولید می کند و خانه و کارگاه و راه آهن می سازد . وقتی کارگران از کار کردن احتیاج کنند همکاران از ایستادن تمام ماشین می رود . هر امتصابی به یاد سرمایه دار می اندازد که کارگران و نه آن ها آقایان واقعی هستند کارگران که دارند حق خود را با صدای خود بلند تر از آن می دارند و مطالبه می کنند . هر امتصاب به کارگران یادآوری می کند که موقعیت شان نومیدانه نیست و آنان تم انیستند . ببینید امتصاب ها ! هم بروی خود امتصاب کنندگان و هم بروی کارگران کارخانه او با او در جهول و درون ویا کارخانه او همان رشته صنعتی به تاثیر شگرفی دارد . در اوقات تعطیلی و صلح آمیز کارگر بدین غرولند کارش را می کند و یا کارفرما چیزی صحبت نمی کند و در مورد شرایط کارش نمی پندارد . در موقع امتصاب او را راست ای در دریا حصدای بلند سلام می کند و تمام سوء استفاده از این کارفرما را در نشان می سازد و مدعی حقوق خود می شود و او دیگر فقط اثر خود و مزه خودش نیست و بلکه در فکر تمام کارگران است که همراه با او مبارز می بین گذشته اند و بدین توس از زمین محرومی و به خاطر آرزوهای کارگرانه باخته اند . هر امتصاب مترادف با محرومیت های زیادی برای توده زحمتکین است و محرومیت های و مشتتگی که فقط با بدبختی های دوران جنگ قابل مقایسه هستند . خانواده ای گرسنه و از دست دادن دستزد مخالفان توتیة را خوا از شهر که خاصه کارشان است علی رغم

بیماری و یزیدت تغذیه بیشتر و چون بهران ادر منابع و اهمیت شان برای کارگران و راهیم برداشت . در این جا صرفا خاطر نشان می کنیم که در طی سال های اخیر امور صنعتی در روسیه خوب پیش رفته اند . منابع در حال " ترقی " بوده اند . لیکن اکنون ( در پایان سال ۱۸۹۹ ) دیگر نشانه روشنی وجود دارد که این " ترقی " به بحران خواهد انجامید : دشواری این که در بازارهای آلا دیده می شود و هر شکستی تازه آنه داران خانه برای ماهی کاران خرده یا و ویژگی سببناکی برای کارگران ( بیکاری ) این دستزد ها ( و غیره ) .

درباره اعتصاب تمام این رنج ها و کارگران به آنهایی که همکاران و در اولی می کنند تا با کارفرمایان قرارداد ببندند با دیده حقارت و سنگر علی رقم تا این رنج هایی که با اعتصاب همراه است کارگران کارخانه های مجاور مشاهده این که رفتارشان در مبارزه در گرفتارنده شهادت نویسی پیدا می کنند. " مردانی که برای خم کردن پشت یک بوزن این قدر تاب می آورند قادر خواهند بود که قدرت تمام بوزنهای را در خم بشکنند. " این گفته یکی از آموزگاران بزرگ سوسیالیسم و انگلس در مورد اعتصاب های کارگران انگلیسی است. غالباً کافی است که یک کارخانه اعتصاب کند تا این که اعتصاب فوراً در تمام کارخانه های کارخانه شروع شود. چقدر اعتصاب تا بروحیه کارگران تاثیر میگذارد و چه طور آن کارگرانی را که می بینند رفتارشان چگونه دیگر سرد و نیستند و فعلاً اگر برای مدتی هم که شده به باثروتی برای برابر شده اند و تاثیر می سازد. در اعتصابی اندیشه سوسیالیسم را به شدت در ذهن کارگران رسوخ می دهد. اندیشه مبارزه تمام ایام کارگر برای آزادی از دست سرمایه. غالباً اتفاق افتاد است که کارگران یک کارخانه میباید بخش از صنعت و یک شهر قبل از وقوع یک اعتصاب بزرگ تقریباً هیچ چیز در ساره سوسیالیسم نمی دانستند و حتی به قدرت در مورد آن فکر کرده بودند و ولی پس از اعتصاب گروه ها و دسته های مختلفه خیلی در میان آن ها برپا شده و تشنه ادب بیشتر و بیشتری از کارگران به سوسیالیسم روی آورده اند.

اعتصاب به کارگران می آموزد که بفهمند که قدرت کارفرمایان و قدرت کارگران در چه نسبت است. به آن ها می آموزد که فقط درباره کارفرمایان خودشان و یا کارگران همکار خود نشان فکری نکنند و بلکه تمام کارفرمایان تمام طبقه سرمایه دار و تمام طبقه کارگر را در نظر بگیرند. وقتی که یک کارخانه در کمزوری و محنت چندین نسل از کارگران سلیمین تا آنهاست کرده است از امانت کردن یک مبلغ جزئی بود مستمر تا امتناع می ورزد و یا حتی کوشش می کند که مزد کار را به یک سطح باز هم کمتری تنزل دهد و اگر کارگران مقاومت نشان دهند هزاران خانواده مگر سینه را بر زمین می ریزد و هر کارگران روشن می شود که طبقه سرمایه دار در کمال دشمنی کل طبقه کارگران و کارگران تنها می تواند روی خودشان و عمل متحدشان حساب کنند.

غالباً اتفاق می افتد که کارخانه داران حد اکثر سعی خود را می کنند که خود را خیرخواه نشان دهند و کارگران را فریب دهند و بهره کسی خود را با وده های دروغین و خنده رنده رشوه دادن پنهان کنند. اعتصاب خواره با نشان دادن این که " خیرخواه " آن ها توانی در برابر همین است این فریب را با یک شریعت نابود می کند.

به علاوه اعتصاب چشم کارگران را نه فقط به ماهیت سرمایه داران بلکه به ماهیت دولت و قوانین نیز بازمی کند. همان طوری که کارخانه داران سعی می کنند که خود را خیرخواه

نشان دهند و ماهورین دولت و نوکران آن ها هم کوشش می کنند که کارگران اطمینان دهند که تزار دولت تزاری همان طوری که عدالت اقتضا می کند همان قدر در فکر کارفرمایان هستند که کارگران. کارگر درباره قوانین چیزی نمی داند و به دولت ماهورین دولت هم که تخاص ندارد به خصوص با آنهایی که پست های بالاتری دارند و در نتیجه تطلب همه آن ها را با هم می کند. بعد اعتصاب پیش می آید. در استان گل و بازرسی کارخانه هایس و غالباً نیروهای ارتش در جلوسوی کارخانه ظاهر می شوند. کارگران درمی یابند که قانون را شکستمانند: کارفرمایان قانوناً مجازند که در هم جمع شوند و طناً در مورد راه های پائین آوردن دستمزدهای کارگران بحث کنند ولی کارگران اگر به یک موافقت مشرف برسند جنایتکار محسوب می شوند. کارگران از خانه هایشان بیرون انداخته می شوند و سپس مکان هایی را که کارگران می توانند از آن ها جنس تهیه بخرند می بندند و حتی وقتی که رفتار کارگران کاملاً صلح آمیز است کوشش به عمل می آید که سرانجام را بر سر کارگران تحمیل کنند. حتی به سر بازار دستور داده می شود که به کارگران شلیک کنند و همان وقتی که آن ها بسا تیراندازی از پشت به کارگران در حال فرار کارگران بدون اسلحه را می کشند مخوف تزار مراتب قدرتی خود را به نیروهای نظامی می فرستد به همین ترتیب تزار از نیروهای نظامی که کارگران در حال اعتصاب را در اوسلاط در سال ۱۸۶۵ کشته بودند تشکر کرد ( یکم کم بر بر کارگری روشن می شود که دولت تزاری بدترین دشمن آن ها است. چرا که از سرمایه داران دفاع می کند و دست های کارگران را می بندد. کارگران شروع می کنند به فهمیدن این که قوانین فقط برای ضایع ثروتند ان ساخته شده است که ماهورین دولت از این ضایع محافظت می کنند و که همان توده کارگر وابسته و بی او اجازه نمی دهند که احتیاجات خود را اصلاح کند و که طبقه کارگر باید برای خودش حقیقت اعتصاب کردن معنی چاپ روزنامه کارگری و حتی شرکت در مجمع ملی را که قوانین را تصویب می کند و بر اجرای آن نظارت می کند به دست بیاورد. دولت خودش به خوبی می داند که اعتصاب چشم کارگران را باز می کند و به همین دلیل این چنین از اعتصاب می ترسد و برای این که اعتصاب هر چه زودتر تمام شود موصول به همکاری می شود. بی دلیل نبود که یکی از وزرای داخلی آلمان که بدنامش در پیگرد صنعت سوسیالیست ها و کارگران آگاه شهرت یافته بود در مقابل نمایندگان طناً اظهار داشت: " در پشت امر اعتصاب از نای انتخاب خوابیده است. " در اعتصابی این حقیقت را در کارگران تقویت می کند و تکامل می بخشد که دولت دشمن آن ها است و باید که کارگر باید خود را برای مبارزه علیه دولت و برای حقوق مردم آماده کند. بنابراین اعتصاب ها به

در باره انتخاب کارگران می آید. با مصلحت مندی که به آن نشان می دهند که آن اتفاقاً وقتی صدق داشته باشد می تواند پایه سرمایه داران مبارز کنند و امتصاب به کارگران می آموزد. به مبارزه تمام ایقده کارگر علیه تمام کارخانه داران و تولید سرمایه داری استبداد می گذرانند به این دلیل است که سرمایه داری را "انتخاب را" مکتب نیرو می نامند. مکتب که در آن کارگران می آموزند که باید نشانشان برای آزادی و تمام مردم تمام آن این که زحمت می کشند و از زیر سوزن ماهرین دولت سرمایه نبوده اند.

لیکن "مکتب نیرو" رد نبوده نیست. وقتی که امتصاب در میان کارگران شایع است، برای کارگران (از طبعی از سوسیالیست تا) آنان می بردند. ایقده کارگری می تواند در اتفاقاً به امتصاب و صندوق امتصاب و یا به امتصاب در وقت که اتفاقاً به امتصاب تنها ایقده کارگری می تواند به بود تا به خود می در شرایط زندگی حاصل و وقتی آزاد می برانند. وقتی که کارگران می بینند که چه قدرتی در امتصاب ایقده کارگری متحد و حتی امتصاب نامی کیوان وجود دارد به خود می افزایند که کافی است که ایقده کارگری که امتصاب خوبی در سرمایه داران و دولت بگیرند. این عقیده در کشور از دیگر هم در برهانی که جنبه ایقده کارگری در میان آن بود و کارگران نیز خیلی بی تجربه بودند ابراز شده بود. این عقیده اشتباه صحیح است. امتصاب یکی از راه های سرمایه داران از آن در مبارزه برای آزادی خود استفاده می کنند و ولی تنها راه نیست. کارگران را در خود راه از دیگر مبارزه نیز می تواند شکست دهد و در وقت ایقده کارگری را ندارد. در سرمایه داران امتصاب با مصلحت مندی می آید که کارگران در سرمایه داران مصلحت مندی صاف و یا در یک کارخانه در تمام کشور ابراز کردند و ولی این جا در رزیمه و این کار به صورت اشتغال دارد. این که پلیس و آن را برمی دارد و پول آن را می کشد و کارگران را توقیف می کند. البته کارگران می توانند از لیبرال نشان کنند و واپسیت این گونه صندوق ها و پول با ارزش هستند و نامی خواججه کارگران نصیحت کنیم که آن را از آنرا نبینند. ولی نباید تصور شود که صندوق امتصاب تا وقتی که از لحاظ قانونی مضع است می تواند تنها در زیادی لغات و نده راه و جذب کند و تاریخی که میست چنین تشکیلاتی خاص می باشد. صندوق امتصاب ولی مضع را تسخیر نکرده شد. به علاوه در کشور ای که آن را می بیند ای کارگری ملی و در دارد و مبالغه ای در تیار نشان است. ایقده کارگران می تواند مبارزه در راه امتصاب به حد کند. نقد لازم است. ای که در کلی در آن می بیند. باید نمود. یک بحران مانند آن که دارد در سرمایه نزدیک می نمود تا این که کارخانه داران وقتی به این راه می آید امتصاب کنند و چنین

به نفع آن است که برای مصلحت کارگران عمل کنند و وجه مصلحت کارگران را به آخر رسانند. بنا بر این کارگران تحت همین شرایطی نمی توانند و در راه عملیات امتصابی و اجتماعات امتصابی محدود کنند. دوم این که امتصاب اتفاقاً وقتی می توانند موفقیت آمیز باشند که کارگران به اندازه کافی آگاهی ایقده ای داشته باشند و وقتی که کارگران بتوانند زمان مناسب برای امتصاب کردن را انتخاب کنند و وقتی که می توانند به گونه تقاضای خود را مطرح کنند و وقتی که با سوسیالیست ها تماس داشته باشند و بتوانند از طریق آن ها اعلامیه و جزئیات بعد دست بگیرند. نوزدهم در این کارگرانی در روسیه خیلی کم است و برای زیاد کردن تعداد چنین کارگرانی و برای شناساندن آنان ایقده کارگری بود. مصلحت کارگران آنجا که با سوسیالیست مبارزه طبقه کارگری باید متلاشی به خط آید. این و ایقده ای است که سوسیالیست ها و کارگران آگاه باید انجام آن را مشترکاً و با ایجاد حزب سوسیالیستی ایقده کارگری برای این منظور رعایت کنند. سوم این که امتصاب با کارگران باید هم به کارگران نشان می دهد که دولت دشمن آن است و مبارزه باید علیه دولت انجام شود. در واقع امتصاب استند که کارگران به ایقده کارگری می آموزند. ایقده کارگری ایقده کارگری است و به کارگری موقوف است علیه دولت مبارزه کنند. همان طور که نفیض و تقاضای حزب سوسیالیستی طبقه کارگری می تواند این مبارزه را با ترویج نظام درست دولت و کارگران ایقده کارگری انجام دهد. در صورت دیگری امتصاب را به این گونه که امتصاب در روسیه را می بیند و می شود و گونه کارگران آگاه باید از آن استفاده کنند به خود اطمینان کرد. این جا فقط لازم است اشاره کنیم که امتصاب همان طور که نفیض و ایقده "مکتب نیرو" هستند و خود نبود که امتصاب اتفاقاً یک وسیله مبارزه و فقط یک جنبه جنبش طبقه کارگر هستند. کارگران باید از امتصاب ای که افتاده فراتر رفته و همان طور که در تمام کشور امتصاب می کنند به مبارزه در راه تمام ایقده کارگری برای آزادی تمام کسانی که زحمت می کشند می پیوندند. هنگامی که تمام کارگران آگاه سوسیالیست شوند می بیند هنگامی که آن ها برای این آزادی مبارزه کنند و هنگامی که آن ها سرمایه داران را برای انتشار سوسیالیسم در میان کارگران و آموزش تمام روستا مبارزه علیه دشمنان متحد شوند و هنگامی که آن ایستادگی سوسیالیستی کارگری ایجاد کنند که برای آزادی تمام مردم از دست دولت و آزادی تمام کارگران از زیر یوغ سرمایه مبارزه کنند و تمام کارگران را به ایقده کارگری اساسی آن جنبه امتصاب کارگری تمام کشور را خواهد شد که تمام کارگران را متقاعد می کند و پرچم سر را برمی افرازد که بر آن این کلمات نوشته شده است:

"کسار کارگران تمام کشور متحد شوند!"

از مجموعه آثار لنین مجلد چهارم صفحات ۳۱۰ تا ۳۱۱.